متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
دورهٔ جدید، شماره۲، (پیاپی ۱۴) تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۶- ۱

بررسی وجوه روایتی در حکایت‌های مرزبان‌نامه بر اساس نظریهٔ تزوتان تودوروف

دکتر سید احمد پارسا*، یوسف طاهری**

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی وجوه روایتی در حکایت های مرزبان‌نامه بر اساس نظریهٔ تزوتان تودوروف می‌پردازد. بر این اساس، وجوه اخباری، خواستی و فرضی و زیرمجموعهٔ آن‌ها چون وجوه الزامی، تمنّایی، شرطی و پیش‌بین، در این اثر بررسی می‌گردد. شناسایی نوع روابط میان شخصیت‌ها، کشف ساختار نهایی داستان‌ها بر اساس بسامد وجوه روایتی و شناخت عوامل بنیادینِ شکل‌گیری و حرکت منطقی داستان‌های مرزبان‌نامه، از اهداف این پژوهش به حساب می‌آیند. براساس پژوهش حاضر، روابط شخصیت‌ها در داستان‌های مرزبان‌نامه بر مبنای روش منطقی و استوار بر کنش مثبت و خردمندانه است. بنابراین شخصیت‌ها از کنش منفی و توسل به فریبکاری جهت تحقّق خواسته‌های خویش، کم‌تر سود می‌جویند. وجه الزامی و شرطی از کمترین بسامد و وجه تمنایی و پیش‌بین از بیشترین بسامد برخوردار می‌باشند. تقابل وجه تمنایی با وجه الزامی، شالودهٔ شکل‌گیری و حرکت منطقی بسیاری از داستان‌ها محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی

وجوه روایتی، مرزبان‌نامه، تزوتان تودوروف، ساختار، روایت، حکایت.

۱- بیان مسأله

تزوتان تودوروف(Tzvetan Todorov)، روایت‌شناس فرانسوی، در حوزهٔ تحلیل و بازکاوی روایت در شمار صاحب‌نظران برجسته به حساب می‌آید. او که مانند روایت شناسانی نظیر کلود برمون(Claude Bremond)، آ. ج. گراماس (A. J. Greimas) و رولان بارت (Roland Barthes) در پی کشف دستور زبان و ساختار جهانی روایت است، اصول و قواعد نظری خویش را در این راستا با تحلیل نزدیک به صد قصه از دکامرون، اثر بوکاچیو، بیان کرد و بدین وسیله به معرفی و پی‌ریزی نظریهٔ خویش پرداخت. تودوروف حوزهٔ فعالیت خویش را معطوف به داستان‌های

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان (مسئول مکاتبات) dr.ahmadparsa@gmail.com
** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

تاریخ وصول ۹۰/۳/۱۸ تاریخ پذیرش ۹۰/۱۱/۱

Archive of SID
www.SID.ir

کهن کرد. روایت اساساً در نظام فکری وی همین قصه‌های کهن به حساب می‌آید (اخوت، ۱۳۷۹: ۹). تودوروف که «با اعمال‌کردن الگویی دستوری به متون روایی، در پی کشف لانگ روایت می‌باشد» (برسلر، ۱۳۸۶: ۱۳۴)، متون روایی را از سه جنبهٔ معنایی، کلامی و نحوی مورد بررسی قرار می‌دهد و در این میان بیشتر بر جنبهٔ نحوی تأکید می‌ورزد. «وی در این شیوه، عملیات تحلیلی را بر روی چکیدهٔ نحوی حکایت انجام می‌دهد» (اسکولز،۱۳۷۹: ۱۶۰).

با توجه به طبقه‌بندی تودوروف (۱۳۸۲: ۷۸)، مرزبان‌نامه جزو متون کهنی محسوب می‌شود که وی آن‌ها را در ردهٔ روایت‌های اسطوره‌ای به حساب می‌آورد. ویژگی اساسی این‌گونه روایت‌ها، آرایش عناصر درون‌مایگانی آن‌ها در یک ترتیب زمانیِ تقویمی، بر مبنای اصل علیّت است. در این‌گونه متون که شالودهٔ آن‌ها بر مبنای اصل علیّتِ بی‌واسطه پی‌ریزی شده‌است، مناسبات عناصر همواره به گونه‌ای ساده و مستقیم، علّت و معلولی است و این منشِ ادبیات محمول است، بر خلاف ادبیات موضوع که از راه پیشرفت داستان، صفات و ویژگی‌های اشخاص نمایان می‌شوند (احمدی،۱۳۸۶: ۲۸۲).

در پژوهش حاضر وجوه روایتی حکایت‌های مرزبان‌نامه بر اساس نظریهٔ تزوتان تودوروف که خود در دستور زبان قصه‌های دکامرون آن را به کار برده است، تحلیل می‌شود. بر این اساس ساختار تمامی حکایت‌های مرزبان‌نامه طبق الگو و چارچوبی که تودوروف در تحلیل قصه‌های دکامرون به‌کار گرفته است، تحلیل می‌شود. تودوروف بر اساس نوع رابطهٔ علّی میان واحدهای کمینه، متون روایتی را به دو دسته: اسطوره‌ای و ایدئولوژیکی تقسیم می‌کند (تودوروف، ۱۳۸۲: ۷۸/۷۹). مرزبان‌نامه به لحاظ کهنگی و داشتن بن‌مایه‌های اسطوره‌ای، خاصیت اپیزودگونهٔ آن و نیز توالی عناصر مبتنی بر نظم منطقی و زمانی بر مبنای علیّت بی‌واسطه، جزو روایت‌هایی محسوب می‌شود که بیشتر با نظریهٔ تودوروف هم‌خوانی و مطابقت دارد. وی در تحلیل این‌گونه روایت‌ها، ابتدا متن مورد نظر را به واحدهای کمینه تجزیه می‌نماید؛ واحدهای ساختاری تودوروف در تحلیل روایت: قصه‌ها، پی‌رفت‌ها، گزاره‌ها و اجزای کلام (اسم، صفت، فعل) هستند. منظور از وجوه روایتی در نظریه تودوروف، جنبه‌های مختلف حاکم بر روابط میان شخصیت‌های قصه است. در این شیوه به روابط میان شخصیت‌ها و نظام و قواعد حاکم بر این روابط که شالودهٔ قصه بر آن بنیاد نهاده شده‌است، تکیه می‌شود.

۲- پیشینهٔ پژوهش

بدون تردید پژوهش‌های فرمالیست‌های روسی را می‌توان سرآغاز علم روایت‌شناسی قلمداد کرد. زیرا آنان نخستین افرادی بودند که بطورعلمی ساختار روایت را مورد بررسی قرار دادند و به کشف عوامل اساسی و بنیادینِ شکل‌گیری آثار هنری پرداختند و سرانجام زمینه‌های ظهورِ بررسی و تحلیل روایت را به گونه‌ای نظام‌مند و علمی فراهم آوردند. پژوهش‌های صورت‌گرایانی چون بوریس توماشفسکی (۱۹۵۷-۱۸۹۰) با اثر مشهور «درون‌مایگان»(Thematic)، و نیز ویکتور شکلوفسکی (۱۹۸۴-۱۸۹۳) با اثر مشهور «نظریهٔ نثر» (۱۹۲۹)، در حوزهٔ نثر و بررسی ساختار داستان، در شکوفایی نظریه‌های روایت‌شناسی تأثیر بسزایی داشت.

از میان فرمالیست‌ها، مشهورترین فردی که به روشی کاملاً ساختاری و با استفاده از اصول و قواعد زبان‌شناسی، پژوهشی نظام‌مند و واجد اهمیت پایه‌ای در حوزهٔ روایت‌شناسی انجام داد، ولادیمیر پراپ بود. هر چند پراپ حوزهٔ پژوهش خود را محدود به نوع خاصی از قصه (قصه‌های پریان) کرد؛ اما حاصل تحقیقات و پژوهش‌های بی‌مانند وی،

Archive of SID

www.SID.ir

راه را بـه سـوی شـاخهٔ جدیـدی از سـاختارشناسـی روایـت گشـود کـه بعـدها در نیمـهٔ دوم قـرن بیسـتم، بـه عنـوان «روایت‌شناسی» مطرح شد. به اعتقاد همهٔ روایت‌شناسان، ولادیمیر پراپ سرآغاز روایت‌شناسـی سـاختارگرا بـه حسـاب می‌آید. روایت‌شناسان بعدی، با بسط و توسعهٔ الگوی پراپ، حوزهٔ روایت‌شناسـی را گسـترش دادنـد و پایـه‌هـای آن را استحکام بخشیدند.

درخت روایـت‌شناسـی کـه در مکتـب فرمالیسـم ریشـه دوانیـده بـود، در نیمـهٔ دوم قـرن بیسـتم در اروپـا در دل ساختـارگرایی تنومند شد و به اوج تعـالی و تکـامل خـود رسـید. بـنابراین، بطـور خـلاصه مـی‌تـوان گفـت کـه روایت‌شناسی در چارچوب و نظامی علمی و روش‌مند با جهت‌گیری درک سـاختار و عوامـل بنیـادی، منطقـی و قـابل اسـتدلالِ زیبایی‌شناسی متون ادبی، ضمن تأثیرپـذیری مستقیم و بلامنازع از زبان‌شناسی ساختاری، نخسـتین بـار توسـط چهره‌های سرشـناس مکتـب فرمالیسـم چـون رِفرماتسـکی، وِسلوفسـکی، توماشفسـکی و دیگـران بنیـاد نهـاده شـد و جهت‌گیری تجزیه و تحلیل ساختاری متن را ولادیمیر پراپ تکامل بخشید. سیر تکـامل روایت‌شناسی بعدهـا در نیمـهٔ دوم قـرن بیستم در فرانسه تـوسط چهره‌های سرشناس مکتب ساختارگرایی چون اسـتراوس، گرامـاس، برمـون، بـارت، تودوروف و دیگران منجر به تکامل و گسترش هرچه بیشتر نظریات پراپ شد.

پژوهش‌هایی که تاکنون دربارهٔ مرزبان‌نامه انجام پذیرفته است، بیشتر به جنبه‌های دسـتوری، کـاربرد صـنایع لفظـی و نکات بلاغی و بررسی تطبیقی آن از نظر سـبکی بـا کتـاب‌هـایی نظیـر کلیلـه و دمنـه، جهانگشـای جـوینی و امثـال آن پرداخته‌اند. بنابراین، تعداد پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، به روش ساختاری و هم‌سو بـا روش‌هـای جهـانی نقـد، بسیار معدود است.

حسینی و صرفی (۱۳۸۵)، به بررسی و تجزیه و تحلیلِ وجوه روایتی در داستان‌هـای سـندبادنامه، بـر اسـاس نظریـهٔ تزوتان تودوروف پرداخته‌اند. فریبکاری شخصیت‌های سندبادنـامه و استفاده از روش‌های منفی برای تحقق خواسـته‌هـا، از بارزترین نتایج به دست‌آمده در این پژوهش است. وجه الزامی و تمنایی حضور چشم‌گیری در داستان‌های سندبادنامه دارند به گونه‌ای که شالوده و اساس پیکربندی داستان‌های سندبادنامه را تشکیل می‌دهند. وجـه شـرطی در داسـتان‌هـای سندبادنامه حضور کم‌تری دارد که این امر نشان دهندهٔ قطعیت روابط میان شخصیت‌های قصه است. وجه پیش‌بین تـأثیر زیادی بر شکل‌گیری داستان‌های سندبادنامه دارد. پیش‌بینی‌ها منطبق با منطق راست‌نما هستند و غالباً درست درمـی‌آینـد (حسینی سروری و صرفی، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

۳- روایت‌شناسی

«روایت‌شناسی مجموعه‌ای از احکام کلّی دربارهٔ ژانرهای روایتی، نظام‌های حاکم بر روایـت (داسـتان‌گـویی) و سـاختار پیرنگ است» (رایان و آلفن، ۱۳۸۸: ۱۴۹). در واقع می‌توان گفت که روایت‌شناسی تنها به ایـن موضـوع مـی‌پـردازد کـه چگونه حوادث، که یک داستان بخصوص را می‌سازند، روایت می‌شـوند (Bal, 1997: 3). روایـت‌شناسـی در نظریـهٔ ادبی به معنای مطالعهٔ ساختار روایت می‌باشد. بر این اساس روایت‌شناسی به مانند ساختارگرایی کـه از آن مشـتق شـده است، بر ایدهٔ زبان ادبی مشترک یا الگوی جهانی رمزگان استوار است که در درون متن و اثر عمل می‌کنند (پژوهش‌های روایت‌شناسی که مبنایی نشانه شناختی دارند عمدةً در دو گرایش کلّی و مرتبط با هم تحـت عنـوان کشـف سـاختار یـا

Archive of SID

www.SID.ir

دستورزبان روایت و کشفِ فرایند تولید معنا، جریان دارد (Mcquillan, 2000: 130).

روایت‌شناسی گونه‌ای جدید از ساختارگرایی ادبی است که با ساختار بنیادینِ دورن‌مایهٔ داستان‌ها کار چندانی ندارد؛ بلکه بر ساختار روایت متمرکز است. ساختار روایت شیوه‌ای است که داستان‌ها به معنای وسیع کلمه از طریق آن نقل می‌شوند (برتنس، ۱۳۸۷: ۸۶). اصطلاح روایت‌شناسی، نخستین بار توسط تزوتان تودوروف در سال ۱۹۶۹ پیشنهاد شد. وی این اصطلاح را در دستورزبان دکامرون، چونان زیست‌شناسی یا جامعه‌شناسی به‌کار برد (Mcquillan 2000: 128، Phelan, 2005: 19).

با نگاهی جامع و دقیق می‌توان گفت که اصطلاح روایت‌شناسی به شاخه‌ای از مطالعات ادبی اختصاص دارد که به تجزیه و تحلیل روایت‌ها، بخصوص فرم‌های روایی و انواع روایت‌گر می‌پردازد. روایت‌شناسی به عنوان نظریه‌ای مدرن در درجهٔ اول با ساختارگرایی پیوند دارد. صرف نظر از مطالعات قدیمی متون و اشکال روایت، می‌توان گفت که روایت‌شناسی جدید با «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» اثر پراپ آغاز شد؛ با نظریهٔ کارکرد روایت (Baldick, 2004: 166).

اگرچه تجزیه و تحلیل روایت، به بوطیقای ارسطو بازمی‌گردد؛ اما در معنا و مفهوم امروزی ریشه در پژوهش‌های روایت‌شناسانِ ساختارگرای فرانسوی دارد که همگی متأثّر از نظریهٔ زبان سوسور، به تعمیم قواعد زبان‌شناسی برای بررسی ساختاری روایت، به منظور کشف جهانی‌های آن، پرداختند.

به نظر روایت‌شناسان ساختارگرا، مهم‌ترین قیاس زبان‌شناسی، قیاس میان ساختار روایت و نحو جمله است بر پایهٔ این قیاس، پرداخت کلّی قصّه از قواعد قراردادی معینی پیروی می‌کند، درست همان‌گونه که پرداخت جمله از قواعد نحوی پیروی می‌کند (هارلند، ۱۳۸۵: ۳۶۱). با در نظر داشتن روایت به عنوان یک موضوع علمی جدید، روایت‌شناسی در پی کشف دستور زبان روایت بصورت جهانی و وسیع است (Cobley, 2003: 237).

بعد از معناشناسی ساختاری گراماس و یکی دو تا کتاب پرنفوذ دیگر، ساختارگرایی که به وسیلهٔ پراپ گسترش یافته بود، در مسیر دیگری رو به توسعه نهاد. این نوع ساختارگرایی ادبی که بعدها روایت‌شناسی نام گرفت، روی ساختارهای زیربنایی محتوای داستان‌ها تأکید نمی‌کرد بلکه تأکیدش روی ساختار روایت بود (Bertens, 2003: 271). حوزهٔ روایت‌شناسی که از دل ساختارگرایی بیرون آمده‌است، بسیار گسترده‌است، اما می‌توان گفت که همهٔ پژوهش‌هایی که به منظور تحلیل ساختار روایت انجام می‌پذیرد، یک مبنای علمی مشترک دارند: نشانه‌شناسی یا علم روایت (Mcquillan, 2000: 130).

۴- نظریهٔ روایتی تودوروف

تودوروف متون ادبی خاصه متون کهن را از سه جنبهٔ معنایی، کلامی و نحوی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل ساختاری قرار می‌دهد و در این میان بیشتر بر جنبهٔ نحوی و کلامی تأکید می‌ورزد. در نمود کلامی مؤلّفه‌هایی چون وجه، زمان، دید و لحن را بررسی می‌کند و در نمود نحوی به ساختارها و واحدهای کمینهٔ متن مثل گزاره و پی‌رفت‌ها می‌پردازد.

تودوروف معتقد است که با تجزیه و تحلیل روایت می‌توان به واحدهایی صوری دست یافت که با اجزای کلام دستوری مثل اسم خاص، صفت و فعل، شباهت‌های چشم‌گیری دارند (تودوروف، ۱۳۷۹: ۲۵۹). وی از میان خصایص مقوله‌های اولیه در دستور زبان، به بررسی «وجه» و گشتارهای آن در دستورزبان روایت می‌پردازد. «وجه روایتی قضیه‌ای است که بیانگر ارتباط‌های مختلف شخصیت قصّه است. بنابراین، نقش این شخصیت مانند نقش فاعل در یک گفته

Archive of SID

www.SID.ir

است» (همان، ۲۶۰). بررسی داستان بر اساس وجوه روایتی، بخشی از نظریهٔ بسیار منسجم و نظام‌مندِ تودوروف در تجزیه و تحلیل ساختاری قصه‌های اسطوره‌ای به حساب می‌آید. تودوروف تحلیل این گونه قصه‌ها را بر اساس نمود کلامی و نحوی، نخستین بار در بررسی قصه‌های دکامرون، اثر بوکاچیو، به‌کار گرفت. بر مبنای نظریهٔ تودوروف می‌توان با تعمیم مفاهیم و الگوهای دستوری؛ بویژه بر روی قصه‌های کهن، به ساختار نهایی روایت دست یافت.

تودوروف (۱۳۸۲: ۷۶) سازمان‌بندی متن را بر اساس آرایشِ عناصر درون‌مایگانی، با الهام از توماشفسکی، دو نوع می‌داند:

۱- نظم منطقی و زمانی (قرارگرفتن عناصر در یک ترتیبِ زمانی تقویمی بر اساس اصل علّیت).

۲- نظم فضایی (توالی عناصر بدون ملاحظات زمانی و عاری از علّیت درونی).

بر این اساس، او بیشتر به تحلیل روایت‌هایی علاقه نشان می‌دهد که در آن واحدهای کمینهٔ علّیت، رابطه‌ای بی‌واسطه با یکدیگر دارند. تودوروف این‌گونه روایت‌ها را اسطوره‌ای می‌نامد. روایت‌هایی از قبیل هزار و یک‌شب، سندبادنامه، مرزبان‌نامه و امثال آن در این رده قرار دارند.

تودوروف از طریق بررسی وجوه روایتی قصه‌ها، از نوع روابط درونی شخصیت‌های داستان پرده برمی‌دارد و از این رهگذر، عوامل بنیادین شکل‌گیری و روند منطقی قصه را شناسایی می‌کند. به‌گونه‌ای که بر مبنای هر یک از وجوه روایتی، می‌توان ساختار و پیکربندی داستان را مشخص کرد. وجوه روایتی تودوروف در تحلیل داستان به دو دستهٔ «اخباری» و «غیر اخباری» تقسیم می‌شوند. وجوه روایتی غیر اخباری به دو دستهٔ «خواستی» که شامل الزامی و تمنّایی است و «فرضی» که شامل شرطی و پیش‌بین است، تقسیم می‌شود.

۵- تحلیل وجوه روایتی

۵-۱- وجه اخباری

وجه اخباری به گزاره‌هایی اطلاق می‌شود که فعل در آن‌ها واقعاً به انجام رسیده است. در واقع تفاوت وجه اخباری با وجوه غیر اخباری، ارتباط مستقیم و بلافصلی با حالت گزاره‌ها دارد «اگر وجهی اخباری نیست به این دلیل است که فعل در آن انجام نشده‌است و فقط عملی است بالقوه، به طور مجازی» (تودوروف، ۱۳۷۹:۲۶۰). مثل مجازات در وجه الزامی که به صورت قانونی نانوشته و خطری بالقوه همیشه دور سرِ فرد خاطی می‌چرخد. از این‌رو حالت غالب گزاره‌های مرزبان‌نامه از نوع اخباری است و حکایت نتیجه و برآمد وقوع فعل در آن‌ها محسوب می‌شود. زمان وقوع فعل در گزاره‌های وجه اخباری، لزوماً گذشته است؛ زیرا نشان می‌دهد که عملی واقعاً و بصورت قطعی انجام شده است.

گزاره‌هایی مانند: «شاه دستورحبس وزیر خیانتکار را صادر کرد» (وراوینی، ۱۳۷۶: ۶۱)، «ملک نیک‌بخت فرزندان را جمع کرد و آن‌ها را اندرز داد و وصیت کرد» (همان، ۶۶)، «بازرگان فرزند خویش را به یافتن دوستی خالص تحریض کرد» (همان، ۱۰۹)، «پادشاه دستور آزادی دادمه را صادر کرد» (همان، ۲۴۰)، «پیل با سپاهیانش به سرزمین شیر حمله کرد» (همان، ۴۰۷)، «شاه دستور اعدام زنش را صادر کرد» (همان، ۴۶۹)، «شاه دستور داد تا خرس را تکه‌تکه کردند» (همان: ۴۸۳)، نشان می‌دهند که حوادثی در گذشته بصورت قطعی رخ داده‌اند که داستان بر پایهٔ آن‌ها شکل گرفته است.

Archive of SID

www.SID.ir

۵-۲- وجه خواستی

وجه خواستی، همان‌طور که از نامش پیداست، خواست افراد جامعه است و این خواست یا جنبهٔ اجتماعی دارد یا جنبهٔ فردی. بنابراین، بر اساس تعریفِ تودوروف، وجه خواستی به دو زیرمجموعهٔ الزامی و تمنّایی تقسیم می‌شود.

۵-۲-۱- وجه الزامی

«وجه الزامی خواستی است قانونی و غیرفردی و قانونِ جامعه محسوب می‌شود و از این‌رو دارای مقامی ویژه است. این قانون پیوسته ایجابی است و باید انجام شود. ضرورتی ندارد تا نام خاصی بر آن نهند؛ قانون همیشه هست، حتی اگر اجرا نشود و خطر بی آن که خواننده متوجّه آن شود، می‌گذرد» (تودوروف، ۱۳۷۹: ۲۶۰).

از آن جا که همهٔ افراد جامعه پیامد تخطّی از این قوانین اجتماعی نانوشته و قطعی را می‌دانند، هنگام تخطّی از آن‌ها برای فرار از مجازات، همواره به فریبکاری متوسّل می‌شوند و در صورتی که فریبکاری افراد به نتیجه نرسد، الزاماً مجازات می‌شوند. ساختار وجه الزامی در مرزبان‌نامه بصورت زیر است.

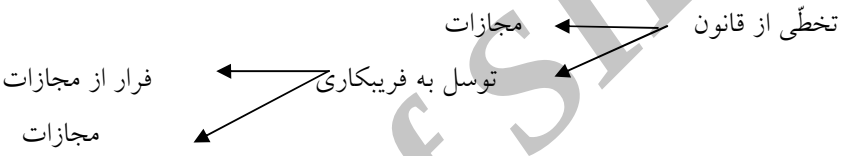

اصل وفاداری و عدم خیانت افراد نسبت به هم؛ بویژه وفاداری همسر و وفاداری عموم مردم، نزدیکان شاه به شاه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که تخطّی از این قانون عام، مجازات قطعی فرد خاطی را در پی دارد. در حکایت اصلی «بیان تعریف کتاب و ذکر واضع و بیان اسباب وضع آن»، باب اول (وراوینی، ۱۳۷۶: ۳۰)، خیانت و عدم وفاداری وزیر به شاه، برملا می‌شود. در نهایت چون وزیر نمی‌تواند در مقابل اتهامات وارده خود را تبرئه کند، شاه دستور عزل و حبس وی را صادر می‌کند و بدین صورت به مجازات قطعی می‌رسد. تخطّی از همین قانون عام در حکایت «شهریار بابل با شهریارزاده»، باب دوم (همان، ۹۳)، منجر به مرگِ شهریار بابل می‌شود. در حکایت های «سه انباز راهزن با یکدیگر»، باب سوم (همان، ۱۳۳)، و «شتر با شتربان»، باب هفتم (همان، ۳۷۹)، نیز تخطّی از قانون وفاداری موجب مجازات شخصیت‌های داستان می‌شود.

وجه الزامی در شکل‌گیری و گسترشِ منطقی حکایت‌ها نقش بسزایی دارد؛ بدین صورت که افراد هنگام تخطّی از قوانینِ عام، به فریبکاری متوسّل می‌شوند و این امر روند منطقی حکایت را تضمین می‌کند؛ بنابراین، می‌توان گفت در حکایت‌هایی که تخطّی از قوانین عام صورت می‌گیرد، فقدان مجازات یا وجه الزامی برابر است با فقدان حکایت. در حکایت «درودگر با زن»، باب هشتم (همان، ۴۶۱)، آن‌چه موجب گسترش و حرکت منطقی حکایت می‌شود، اقدام به فریبکاری از طرف زن برای فرار از مجازاتِ خیانت به شوهر است. تخطی از همین قانون عام در حکایت «جولاهه با مار»، باب هشتم (همان: ۴۲۷)، معماری و ساختمان هنری حکایت را موجب می‌شود. زنِ جولاهه برای فرار از مجازات و دنبال‌کردن خواسته‌های خود، به پادشاه خبر می‌دهد که جولاهه تعبیر خوابِ وی را می‌داند؛ اما «از خاصیت ضنّت در خواب‌گزاردن کاهل باشد و الّا به زخم چوب و دشنام در کار نیاید و تن در تعبیر ندهد» (همان، ۴۲۹). بنابراین پادشاه دستور می‌دهد، جولاهه را به درگاه بیاورند و برای تعبیر خواب، وی را کتک بزنند. بدین صورت زن با توسّل به فریبکاری به مقصود خود می‌رسد.

Archive of SID

www.SID.ir

اصل قانونِ وفاداری نسبت به قوانین عام دیگر در مرزبان‌نامه، بطور کلّی از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است. این امر به حدّی حساس و قطعی است که حتی کوچک‌ترین سوءظن در این زمینه، منجر به مجازاتِ قطعی افراد مظنون می‌شود. در داستان «ایرانجسته با خسرو»، باب هشتم (همان، ۴۶۷)، خسرو به صرف سوءظن و بدگمانی نسبت به زنش، به وزیرش ایرانجسته دستور می‌دهد که وی را هلاک کند. در داستان «کدخدای با موش خایه دزد»، باب هفتم (همان، ۳۹۶)، کدخدا جفتی مرغ دارد که هر روز تخم می‌گذارند؛ اما موشی که در خانهٔ اوست تخم مرغ‌ها را می‌خورد. کدخدا گمان می‌کند که زنش به وی خیانت می‌کند و تخم مرغ‌ها را برمی‌دارد. از این‌رو به صرف سوءظن، زنش را به باد کتک می‌گیرد و به او ناسزا می‌گوید. حساسیتِ همین موضوع در حکایت‌های «روباه با بط»، باب دوم (همان، ۱۰۳)، «مرد طامع با نوخرّه»، باب دوم (همان: ۸۹)، موجب مجازات افرادِ مظنون می‌شود.

در مواردی که فرد نتواند یا قادر نباشد که هنگام تخطّی از قانون، برای فرار از مجازات راهکاری بیابد، بلافاصله مجازات می‌شود. در حکایت «مرد کفشگر با زن دیبا فروش»، باب ششم (همان، ۲۸۹)، زن کفشگر به علت خیانت و عدم وفاداری به شوهرش، چون در موقعیتی نیست که بتواند راهکاری برای فرار از خطر مجازات بیابد، بلافاصله مجازات می‌شود. مجازات افراد در حکایت های «زیرک و زُروی»، باب ششم (همان، ۲۴۷)، «اشتر و شیر پارسا»، باب هشتم (همان، ۴۱۵)، «دزد با کیک»، باب پنجم (همان،۲۰۲)، نیز طبق همین قاعده است.

عدم تجاوز به حریم خصوصی دیگران و نقض قانون مالکیت خصوصی، در مرزبان‌نامه از دیگر قوانین عامی به حساب می‌آیند که افراد به خاطر تخطّی از آن‌ها مجازات می‌شوند. در حکایت «شگال خرسوار»، باب اول (همان، ۵۵)، شغال به حریم خصوصی باغبان تجاوز می‌کند و لذا به خاطر نقضِ قانون مالکیت خصوصی، اگر راهکاری نیابد، مجازات می‌شود. از این‌رو شغال خود را به مردن می‌زند و به این ترتیب با اقدام به فریبکاری، راه فراری می‌یابد و از خطر مجازات می‌گریزد. در حکایت های «کدخدای با موش خایه‌دزد»، باب هفتم (همان، ۳۹۶)، «موش با مار»، باب چهارم (همان، ۱۶۳)، و «پیل و شیر»، باب هفتم (همان، ۳۳۹)، نیز تخطی از همین قانون عام، موجب مجازات قطعی افراد می‌شود.

۵-۲-۲- وجه تمنایی

«وجه تمنایی با توجه به آرزوهای شخصیت صورت می‌پذیرد. به عبارت دقیق‌تر، هر قضیه می‌تواند مغلوب قضایای عمل‌کننده شود. این امر به حدّی است که هر عمل از این میل متأثّر است که هر کس می‌خواهد خواستش برآورده شود» (تودوروف، ۱۳۷۹: ۲۶۱). وجه تمنّایی در شکل‌گیری حکایت‌های مرزبان‌نامه بسیار مؤثّر است. به‌گونه‌ای که پیکربندی حکایت‌ها بر اساس آن واقع می‌شود و حوادثی که در جریان حکایت رخ می‌دهند و باعث گسترش و شکل‌گیری آن می‌شوند، همگی تحت الشعاع خواست و میل شخصیت اصلی حکایت هستند. ساختار وجه تمنّایی در مرزبان‌نامه به صورت زیر می باشد:

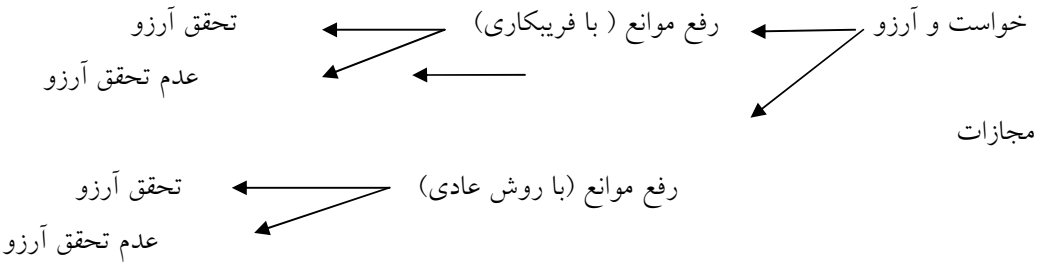

Archive of SID

www.SID.ir

در مرزبان‌نامه که ساختار آن استوار بر اصل علّیت بی‌واسطه است، پیکربندی و گسترش منطقی داستان‌ها بر مبنای خواست شخصیت‌ها است، به‌گونه‌ای که می‌توان میل و خواست شخصیت‌ها را شالودهٔ پردازش هرکدام از باب‌ها و بطور کلّی مرزبان‌نامه تلقّی کرد. در داستان اصلی «ملک نیک‌بخت و وصایایی که به وقت وفات فرزندان را فرمود»، باب دوم (وراوینی، ۱۳۷۶: ۶۵)، میل پادشاه به مدیریت و ادارهٔ امور ملکت بر مبنای تجارب و روش خویش در مملکت‌داری ـ در روزهای پایانی عمر ـ عامل اصلی شکل‌گیری حکایت است و در واقع انگیزهٔ اصلی که کل حکایت بر شالودهٔ آن پی‌ریزی می‌شود. در حکایت اصلی «عقاب و آزادچهر و ایرا»، باب نهم (همان، ۴۸۵)، خواست آزادچهر و ایرا برای نجات و رهایی از ظلم و بیداد عقاب و اطرافیانش، موجب به وجود آمدن بحث‌ها و گفتگوهایی بین آن‌ها می‌شود که کل حکایت بر پایهٔ آن پی‌ریزی شده است. معماری و ساختمان حکایت های اصلی «ملک‌اردشیر و دانای مهران‌به»، باب سوم (همان، ۱۲۳)، «دیو گاوپای و دانای نیک‌دین»، باب چهارم (همان، ۱۴۷)، «دادمه و داستان»، باب پنجم (همان، ۱۹۳)، «زیرک و زُروی»، باب ششم (همان، ۲۴۷)، «پیل و شیر»، باب هفتم (همان، ۳۳۹)، و «اشتر و شیر پارسا»، باب هشتم (همان، ۴۱۵) نیز از همین قاعده پیروی می‌کند.

در حکایت «درودگر با زن»، باب هشتم (همان، ۴۶۱)، خواستِ مرد برای نجات از دست زنِ نابکار و خیانتکارش، وی را بر آن می‌دارد که هنگام بیرون رفتنِ زنش از خانه به منظور برآوردن خواسته‌هایش، در را بر روی او ببندد و در بازگشت زن به خانه، به وی اجازهٔ ورود ندهد. از سویی دیگر خواستِ زن برای ورود به خانه، موجب می‌شود که به فریبکاری متوسّل شود. بدین صورت که زن، شوهرش را به انداختن خود در چاه تهدید می‌کند تا در را به روی او باز کند؛ زن سنگی را در چاه می‌اندازد و شوهر گمان می‌کند که زنش خود را در چاه انداخته است؛ بنابراین بیرون می‌آید و در این فاصله زن وارد خانه می‌شود و در را بر روی شوهرش می‌بندد و با داد و فریاد، مرد را متهم به بی‌وفایی می‌کند. در این حکایت با وجهی دوگانه رو به‌رو هستیم: از یک سو وجه تمنّایی، یعنی خواست مرد و زن و تلاش هر یک برای برآورده‌شدن خواسته‌شان و تضاد میان خواستهٔ زن و مرد. از سوی دیگر وجه الزامی مجازات که بصورت خطری بالقوه زن و مرد را تهدید می‌کند. این حکایت از نظر ساختار وجوه روایتی با حکایت «مردی که حیله‌های زنان را جمع می‌کرد» (ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۶۳) شباهت دارد.

در مواردی که کنشِ شخصیت‌ها با وجه الزامی در تضاد است، کنشگر به سبب تخطّی از قوانین عام بلافاصله مجازات می‌شود. در حکایت «کدخدای با موش خایه‌دزد»، باب هفتم (وراوینی، ۱۳۷۶: ۳۹۶)، طمع کدخدای برای برداشتن سکّه‌ها، وی را بر آن می‌دارد که به درون لانهٔ موش دست‌درازی بکند و از آن‌جا که این عملِ وی با وجه الزامی (عدم تجاوز به حریم خصوصی دیگران) در تضاد است، در نهایت با نیشِ عقرب به مرگ وی می‌انجامد. در حکایت «شهریار بابل با شهریارزاده»، باب دوم (همان، ۹۳)، فریبکاری پادشاه برای نابودی برادرزاده‌اش، چون با وجه الزامی (عدم وفاداری و خیانت به پادشاه) در تضاد است، به مرگ وی می‌انجامد. در حکایت های «شگال خرسوار»، باب اول (همان، ۵۵)، «برزیگر با مار»، دوم (همان، ۶۹)، «سه انباز راهزن با یکدیگر»، باب سوم (همان، ۱۳۳)، «دادمه و داستان»، باب پنجم (همان، ۱۹۳)، «سوار نخجیرگیر»، باب هفتم (همان، ۳۷۷) نیز تضاد وجه الزامی با وجه تمنّایی، موجب مجازات قطعی افراد می‌شود.

در بسیاری از موارد شخصیت‌های حکایت برای رسیدن به خواست و آرزوی خویش، از افراد دیگری کمک

Archive of SID

www.SID.ir

می‌طلبند. ساختمان و معماری حکایت از نظر جاذبهٔ حوادث و تنوّع شخصیت‌ها در این‌گونه حکایت ها شکلِ هنری‌تری به خود می‌گیرد. در حکایت «موش و مار»، باب چهارم (همان، ۱۶۳)، موش می‌خواهد مار را به سبب تجاوز به حریم خصوصی‌اش مجازات کند. این اندیشه که کل حکایت بر پایهٔ آن شکل می‌گیرد، موجب می‌شود که موش تصمیم بگیرد، مار را با معاونت باغبان از پای دربیاورد. در حکایت های «کدخدای با موش خایه‌دزد»، باب هفتم (همان، ۳۹۶) و «شتر با شتربان»، باب هفتم (همان، ۳۷۹) نیز با ورود شخصیت‌های ثالث، حکایت تنوع و جذابیت خاصی پیدا می‌کند.

در بسیاری از موارد عواملی سبب می‌شوند که شخصیت از برآوردن خواسته و میل خود صرف نظر کند، در این‌گونه موارد با شکل ویژه‌ای از وجه تمنّایی رو به‌رو هستیم که از آن به «چشم‌پوشی» تعبیر می‌شود. «چشم‌پوشی شکل ویژه‌ای از وجه تمنایی است. در این شکل شخصیت ابتدا چیزی را آرزو می‌کند؛ ولی بعد از آن چشم می‌پوشد» (تودوروف، ۱۳۷۹:۲۶۱). در حکایت «دزد دانا»، باب ششم (وراوینی، ۱۳۷۶: ۳۱۱)، دزد که به قصد ربودن کالای گذریان، در پس دیواری مترصّد نشسته است، با شنیدن سخنان زنی نابکار که وی را به سرای شحنه می‌بردند، مبنی بر این‌که «ای مسلمانان! نه دروغی گفته‌ام و نه دزدی کرده‌ام. از من بیچاره چه می‌خواهید؟» (همان، ۳۱۲)، متنبه و ترسان می‌شود و از قصد خویش صرف نظر می‌کند. در حکایت های «آهو و موش و عقاب»، باب دوم (همان، ۸۵)، «خرّبماه با بهرام گور»، باب اول (همان، ۳۷) و «مرد مسافر با درخت مردم پرست»، باب ششم (همان، ۲۸۴) نیز می‌توان این شکلِ ویژه از وجه تمنّایی را مشاهده کرد.

۵-۳- وجه فرضی

در وجه فرضی ارتباط بین گزاره‌ها نقش مهمی دارد به گونه‌ای که نوع روابط میان شخصیت‌ها را شکل گزاره‌ها تعیین می‌کند. وجه فرضی دو نوع است: وجه شرطی و وجه پیش‌بین.

۵-۳-۱- وجه شرطی

«وجه شرطی به گونه‌ای است که دو قضیهٔ اسنادی را به هم مربوط می‌کند. از این‌رو فاعل قضیهٔ دوم و کسی که شرط را تعیین می‌کند، یک شخصیت اند» (تودوروف، ۱۳۷۹: ۲۶۱).

مثال: **روباه** (x) به مرغابی می‌گوید که اگر **تو** (y) جفت خویش را ترک کنی، **من** (x) برای تو جفتی بهتر پیدا خواهم کرد.

در حکایت «مرد مسافر با درخت مردم‌پرست»، باب ششم (وراوینی، ۱۳۷۶: ۲۸۵)، درخت که مورد تعرّض مسافر قرار گرفته است، به وی می‌گوید که اگر به من آسیب نرسانی، در مقابل به تو پاداش می‌دهم بدین صورت که «هر بامداد پیش از آن که این درستِ مغربی از جیبِ افق در دامن قبای آسمان‌گونِ گردون افتد، یک درست زرِّ خالص از فلان موضع به تو نمایم که برداری و به اندک روزگار صاحب یسار شوی» (همان، ۲۸۶). در حکایت «غلام بازرگان»، باب دوم (همان، ۷۲)، بازرگان به غلام می‌گوید که اگر این دفعه نیز چونان دفعات پیش، از سفر سرافراز بازگردی، تو را از قیدِ تملّک خویش آزاد می‌کنم. در حکایت‌های «مرد آهنگر با مرد مسافر»، باب دوم (همان، ۹۸)، «شهریار بابل با شهریارزاده»، باب دوم (همان، ۹۳)، «روباه با بط»، باب دوم (همان، ۱۰۳)، «ملک‌اردشیر و دانای مهرانبه»، باب سوم (همان، ۱۲۳)، «دیو گاوپای و دانای نیک‌دین»، باب چهارم (همان، ۱۴۷)، «زیرک و زُروی»، باب ششم (همان، ۲۴۷)، «زغن ماهی‌خوار با ماهی»، باب ششم (همان، ۲۵۶)، «موش با گربه»، باب ششم (همان، ۲۶۷) نیز که از ساختاری شرطی

Archive of SID

www.SID.ir

برخوردار هستند، عامل اصلی گسترش و شکل‌گیری حکایت، روابط خصوصی شخصیت‌ها بر مبنای وجه شرطی است.

شکلِ دیگر وجه شرطی وقتی است که گزارهٔ اول حالت منفی دارد؛ یعنی فاعل گزاره‌ای که شرط را تعیین می‌کند، چیزی را می‌طلبد که عمل او در گزارهٔ دوم نتیجهٔ اجرانشدن خواست اوست. در حکایت «درودگر با زن»، باب هشتم (همان، ۴۶۱)، زن که پشت در مانده‌است به درودگر می‌گوید که اگر در را باز نکنی خود را در چاه می‌اندازم «تا فردا شحنهٔ شهر به قصاص خونِ من، خونِ تو بریزد» (همان، ۴۶۳). در داستان «جولاهه با مار»، باب هشتم (همان، ۴۲۷)، مار به جولاهه می‌گوید که اگر این بار هرآن‌چه پادشاه بابت تعبیر خواب به تو می‌دهد به علاوهٔ آن‌چه را که در دفعات پیشین به تو داده است، نزد من آوری، تعبیر خوابِ پادشاه را به تو می‌گویم. در حکایت «مرد باغبان با خسرو» باب نهم (همان، ۵۳۵)، خسرو از دیدن باغبانی پیر و فرتوت که در حال نشاندن درخت انجیر است، تعجب می‌کند؛ زیرا فکر نمی‌کند پیرمرد که در آستانهٔ مرگ است بتواند از میوهٔ آن درخت بخورد. از این‌رو به پیرمرد می‌گوید که «اگر ترا چندان درین سرای کون و فساد بگذارند که ازین درخت به من تحفه‌ای آری، خراج این باغستان ترا دهم» (همان، ۵۳۷).

۵-۳-۲- وجه پیش‌بین

«ساختار وجه پیش‌بین مانند وجه شرطی است با این تفاوت که فاعل قضیهٔ پیش‌بین لازم نیست که فاعل قضیهٔ دوم (پیرو) هم باشد. فاعل قضیهٔ اول هیچ محدودیتی ندارد. از این‌رو این فاعل می‌تواند با فاعل پیش‌بین یکی باشد. همچنین دو قضیه می‌توانند یک فاعل داشته باشند» (تودوروف، ۱۳۷۹: ۲۶۲). «وجه پیش‌بین شکل ویژه‌ای از منطق «راست‌نما»ی شخصیت است و منطق راست‌نمای «شخصیت» با منطق راست‌نمای «خواننده» تفاوت دارد» (تودوروف، ۱۳۷۹: ۲۶۳). پیش‌بینی با منطق طبیعی در حد یک احتمال است و درصد خطا در آن فراوان است. همچنین نقش حوادث فرعی در آن بسیار زیاد است. اما با «منطق راست‌نمای شخصیت، دارای واقعیت صوری مشخصِ وجه پیش‌بین است» (تودوروف، ۱۳۷۹: ۲۶۳). به گونه‌ای که حوادث و حرکت حکایت در خدمت محقّق شدن آن است.

مثال: **روباه** (x) فکر می‌کند که اگر **خودش** (x) را به مردن بزند، **باغبان** (y) او را رها خواهد کرد.

مثال: **مادر موش** (x) پیش‌بینی می‌کند که اگر **موش** (y) با مار دربیفتد، **موش** (y) در نهایت مغلوب مار خواهد شد.

در حکایت اصلی «بیان تعریف کتاب و ذکر واضع و بیان اسباب وضع آن»، باب اول (وراوینی، ۱۳۷۶: ۲۳)، شروین پادشاه طبرستان صاحب پنج فرزند است. پس از مرگِ وی، زمامِ امور را به فرزند بزرگ می‌دهند؛ اما بعد از مدتی بین برادران بر سر تصرّف ملک نزاع و دشمنی ایجاد می‌شود. مرزبان که از نظر خرد و دانش بر دیگر برادران برتری دارد، فکر می‌کند که اگر در این وضعیت مملکت را ترک نکند، نه تنها مورد سوءظن شاه واقع می‌شود؛ بلکه موجب می‌شود که بنیان دوستی و الفت برادران نیز به سستی بگراید. پیش‌بینی مرزبان در این حکایت نه تنها عامل اصلی شکل‌گیری باب اول است؛ بلکه بطور کلّی نقطه عطفی می‌شود برای نگارش مرزبان‌نامه. ساختار حکایت‌های اصلیِ «ملک نیک بخت و وصایایی که به وقت وفات فرزندان را فرمود»، باب دوم (همان، ۶۵)، «دیو گاوپای و دانای نیک‌دین»، باب چهارم (همان، ۱۴۷)، «زیرک و زُروی»، باب ششم (همان، ۲۴۷)، «پیل و شیر»، هفتم (همان، ۳۳۹)، «اشتر و شیر پارسا»، باب هشتم (همان، ۴۱۵) نیز بر اساس وجه پیش‌بین استوار است.

در حکایت «شهریار بابل با شهریارزاده»، باب دوم (همان، ۹۳)، مهتر پریان پیش‌بینی می‌کند که اگر پادشاه‌زاده از بَرِ این درخت بر چشم خویش بمالد، بینا می‌گردد و نیز در فلان خارستان گزبُنی وجود دارد که اژدهایی در آن آرام گرفته

Archive of SID

www.SID.ir

است «طالع ولادت این مار و آن شهریار هر دو یکی است و در یک نقطهٔ حرکت قرار دارد. چون کوکب قاطع به درجهٔ طالعِ این رسد، هلاک او جایز باشد. اگر شهریارزاده آن مار را تواند کشتن، پس کشتن او و مردن شاهِ بابل یکی بود» (همان، ۹۶). در داستان «موش و مار»، باب چهارم (همان، ۱۶۳)، مادرِ موش پیش‌بینی می‌کند که اگر برای نجات از دست مار، محل سکونت خویش را ترک نکند و به مقابلهٔ مار اقدام کند، به نابودی وی می‌انجامد. در داستان «بزرجمهر با خسرو»، باب پنجم (همان، ۲۲۳)، بزرجمهر از طریق طالع‌بینی پیش‌بینی می‌کند که با توجه به طالعِ نامناسب، اگر شاه برای یافتن مروارید به کشتن مرغابی‌ها اقدام کند، منجر به مرگ بسیاری از آن‌ها می‌شود. در حکایت «نیک‌مرد با هدهد»، باب پنجم (همان، ۲۰۶)، نیک‌مرد پیش‌بینی می‌کند که اگر هدهد به اندرز وی عمل نکند، بزودی دچار بلا و مصیبتِ جبران ناپذیر می‌شود. در حکایت اصلی «دادمه و داستان»، باب پنجم (همان، ۱۹۳)، در داستان «رمه‌سالار با شبان»، باب ششم (همان، ۲۶۰)، رمه‌سالار پیش‌بینی می‌کند که اگر عددِ گوسفندان وی از هزار رأس تجاوز کند به مرگ و تقصیر آن‌ها می‌انجامد.

برخی از پیش‌بینی‌ها کاملاً روشن‌مند و به طریقی ماهرانه انجام می‌شوند. صحّت این‌گونه پیش‌بینی‌ها قطعی است. در این‌گونه پیش‌بینی‌ها فرد برای رسیدن به مقصودِ خویش از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کند. در حکایت «روباه با بط»، باب دوم (همان، ۱۰۳)، روباه برای به چنگ‌آوردن مرغابی، نخست بدروغ به وی می‌گوید که شوهرش به کسِ دیگری دل بسته است و می‌خواهد با او ازدواج کند. روباه در مقابل بی‌اعتنایی مرغابی که استوار به توجیهات شرعی است، در مرحلهٔ بعدی نیرنگی دیگر آغاز می‌کند و به وی می‌گوید که علت رفتار شوهرش این است که گمان می‌کند تو به او خیانت می‌کنی. بنابراین، دمدمهٔ روباه در وی اثر می‌کند و مرغابی در صدد مجازات جفت خویش برمی‌آید. روباه پس از جلب حُسنِ نیّت مرغابی، نیرنگی دیگر آغاز می‌کند؛ روباه می‌گوید که «از نبات‌های زمین هندوستان، نباتی به من آورده‌اند که آن را مرگ بطان خوانند. اگر بدو دهی، مقصود تو برآید» (همان، ۱۰۷). مرغابی که منّت‌دار روباه گشته از وی آن گیاه را می‌خواهد. روباه نیز می‌رود که آن را بیاورد؛ اما برای به نتیجه‌رسیدن حیلهٔ خویش دو روز در خانه توقّف می‌کند و نزد مرغابی نمی‌آید مرغابی نیز که انگیزهٔ به دست‌آوردن گیاه مزبور، صبرش را به سر آورده‌است، به خانهٔ روباه می‌رود. پایان کار نیز بر همگان روشن است! حکایت «درودگر با زن»، باب هشتم (همان، ۴۶۱) نیز از نظر دقت و روش‌مندی پیش‌بینی، ساختار و بافتی مشابه این حکایت دارد.

برخی از پیش‌بینی‌ها درست از آب در نمی‌آیند؛ اما این موضوع در گسترش و حرکت حکایت خللی ایجاد نمی‌کند. حتی در مواردی باعث پیچیدگی و تنوّع بیشتر آن هم می‌شود. در حکایت «شتر با شتربان»، باب هفتم (همان، ۳۷۹)، خرگوش پیش‌بینی می‌کند که اگر شتر هنگام حمل بار نمک از رودخانه، اندکی فرونشیند تا نیمی از نمک‌ها را آب بشوید، از این به‌بعد، شتربان برای خلاصی از این معضل، بارِ نمک تو را به اندازهٔ وسع نهد. در حکایت «ایران‌جسته با خسرو»، باب هشتم (همان، ۴۶۷)، خسرو پیش‌بینی می‌کند که اگر زنش را هلاک نکند، به سبب آن‌که پدر و برادرش به دست وی کشته‌شده‌اند، روزی از وی انتقام خواهدگرفت. پیش‌بینی غلط را در حکایت های «آهو و موش و عقاب»، باب دوم (همان، ۸۵)، «خسرو با بزرجمهر»، باب چهارم (همان، ۱۷۲)، «رای هند با ندیم»، باب پنجم (همان، ۲۴۳)، «مرد کفشگر با زن دیبافروش»، باب ششم (همان، ۲۸۹)، «برزگر با گرگ و مار»، باب هشتم (همان، ۴۴۳)، «مار با مارافسای»، باب هشتم (همان، ۴۴۰) و «سوار و پیاده»، باب نهم (همان، ۵۰۸) نیز می‌توان مشاهده کرد.

Archive of SID

www.SID.ir

۶- نتیجه‌گیری

بر اساس تجزیه و تحلیل مرزبان‌نامه بر مبنای روش تودورف، می‌توان نتیجه‌گرفت که روابط شخصیت‌ها در حکایت‌های مرزبان‌نامه بر مبنای روش منطقی و استوار بر کنش مثبت و خردمندانه است. بنابراین شخصیت‌ها از کنش منفی و توسل به فریبکاری جهت تحقّق خواسته‌های خویش، کم‌تر سود می‌جویند. حالت غالب گزاره‌های مرزبان‌نامه از نوع اخباری است و حکایت نتیجه و برآمد وقوع فعل در آن‌ها محسوب می‌شود. زمان وقوع فعل در گزاره‌های وجه اخباری لزوماً گذشته است؛ زیرا نشان می‌دهد که عملی واقعاً و بصورت قطعی انجام شده‌است.

۶-۱- وجه الزامی

با توجه به بررسی حکایت‌های مرزبان‌نامه می‌توان نتیجه گرفت که اصل مجازات به عنوان خطری جدی و بالقوه نقش بسزایی در شکل‌گیری حکایت‌های مرزبان‌نامه دارد. بدین صورت که افراد هنگام ارتکاب جرم، برای فرار از مجازات به فریبکاری متوسّل می‌شوند و این خود عاملی مهم و دلیلی منطقی در شکل‌گیری و تداوم حکایت ها محسوب می‌شود. با توجه به نمودار «بسامد وجوه روایتی»، وجه الزامی از بسامد کمی برخوردار است و این می‌تواند حاکی از عدم تمایل شخصیت‌ها به تخطّی از قانون باشد. همچنین نشان دهندهٔ قطعیت روابط بین شخصیت‌ها و شیوهٔ تحقّق خواسته‌ها به روش منطقی و عادی به جای توسّل به فریبکاری است. قطعیت روابط میان شخصیت‌ها با دقت در نمودار «میزان قطعیت کنش قهرمان»، بیشتر نمایان می‌شود؛ بسامد بسیار پایین فرار از مجازات بر این موضوع دلالت دارد.

در حکایت‌هایی که پیکربندی آن‌ها بر اساس وجه الزامی صورت گرفته است، فقدان مجازات برابر است با فقدان داستان؛ زیرا کنش شخصیت‌های داستان در جهت گسترش و قوام داستان با بن‌بست مواجه خواهد شد.

۶-۲- وجه تمنایی

ساختار وجه تمنّایی به‌گونه‌ای است که تقریباً پیکربندی هیچ داستانی بدون آن امکان‌پذیر نیست؛ زیرا حوادث داستان نتیجهٔ بلامنازع تلاش شخصیت‌های داستان جهت برآوردن امیال و آرزوهایشان است. در مرزبان‌نامه شخصیت‌های حکایت در موارد بسیاری برای رسیدن به خواست و آرزوی خویش متوسّل به فریبکاری می‌شوند. اما با توجه به نمودار «نوع کنش قهرمان» این موضوع در قیاس با شیوه‌های دیگر از بسامد کمتری برخوردار است. در وجه تمنّایی افراد برای محقّق شدن خواستهٔ خویش سعی می‌کنند که به روش عادی و منطقی موانع را کنار بگذارند. بنابراین کمتر از فریبکاری استفاده می‌کنند.

تقابل وجه تمنّایی با وجه الزامی در مرزبان‌نامه، شالودهٔ شکل‌گیری بسیاری از حکایت‌هاست؛ زیرا شخصیت‌ها همواره برای فرار از مجازات و غلبه بر قانون راهکاری می‌جویند و این تلاش وتقلای شخصیت‌ها، عامل اصلی گسترش حکایت است در غیر این صورت میل و خواست شخصیت (وجه تمنّایی) مغلوب اِعمال قانون (وجه الزامی) می‌شود.

با توجه به نمودار «نوع کنش قهرمان»، اگرچه شخصیت‌های حکایت‌های مرزبان‌نامه برای غلبه بر وجه الزامی و در واقع فرار از مجازات در بسیاری از موارد به فریبکاری متوسّل می‌شوند و این خود عامل اساسی حرکت حکایت‌ها محسوب می‌شود، با وجود این، وجه الزامی در موارد بسیار کمی مغلوب چاره‌اندیشی فرد می‌شود.

۶-۳- وجه شرطی

با توجه به نمودار «بسامد وجوه روایتی»، در مرزبان‌نامه از وجه شرطی نسبت به وجوه روایتی دیگر کمتر استفاده شده است و این با توجه به بسامد و نقش بسزای وجوه الزامی، تمنّایی و پیش‌بین در شکل‌گیری حکایت‌های مرزبان‌نامه

Archive of SID

www.SID.ir

و نیز درصد بالای مجازات، عدم فریبکاری و صحّت پیش‌بینی‌ها، می‌تواند حاکی از قطعیت روابط میان شخصیت‌های حکایت باشد. منطق راست‌نمای شخصیت و متعاقباً صحت پیش‌بینی‌ها در وجه پیش‌بین، عدم تمایل شخصیت‌ها به تخطّی از قانون، قطعیت قانون و توسّل به فریبکاری در صورت تخطّی از قانون، همگی از قطعیت روابط میان شخصیت‌های حکایت ها حکایت می‌کند.

در وجه شرطی فرد از طرف فاعل شرط برای انجام کاری یا تطمیع می‌شود یا تهدید. در واقع عمل خاصی بر وی تحمیل می‌شود که در موارد بسیار کمی عدم اجرای آن منجر به مجازات می‌شود. در بقیهٔ وجوه روایتی، کنش شخصیت‌ها در فرایند حکایت، در غالب موارد مجازات را در پی دارد، اگر فرد برای فرار از آن راهکاری نیابد.

۶-۴- وجه پیش‌بین

وجه پیش‌بین نیز تأثیر زیادی بر شکل‌گیری حکایت های مرزبان‌نامه دارد؛ زیرا فاعل پیش‌بین در هر صورت برای رسیدن به مقصود خویش مرتکب کنش‌هایی می‌شود که ژرف‌ساخت بسیاری از آن‌ها بصورت روشن، پیش‌بینی شخصیت‌ها تلقّی می‌شود.

با توجه به نمودار «میزان قطعیت کنش قهرمان»، می‌توان نتیجه گرفت که در مرزبان‌نامه پیش‌بینی‌ها غالباً درست از آب درمی‌آیند و این حاکی از منطق راست‌نمای شخصیت است. بافت رخدادهای داستان بر اساس منطق راست‌نمای شخصیت به گونه‌ای است که حوادث و حرکت حکایت در خدمت محقق شدن آن است.

وجه پیش‌بین از آن‌جا که بر فرض عمومی استوار است، به وجه الزامی نزدیک است؛ پیش‌بینی‌های شخصیت در بسیاری از موارد که در تقابل با وجه الزامی قرار دارند، در صورتی که نادرست باشند؛ یعنی، مطابق با منطق راست‌نمای شخصیت نباشند، به مجازات منتهی می‌شوند.

Archive of SID

www.SID.ir

فهرست نمودارها

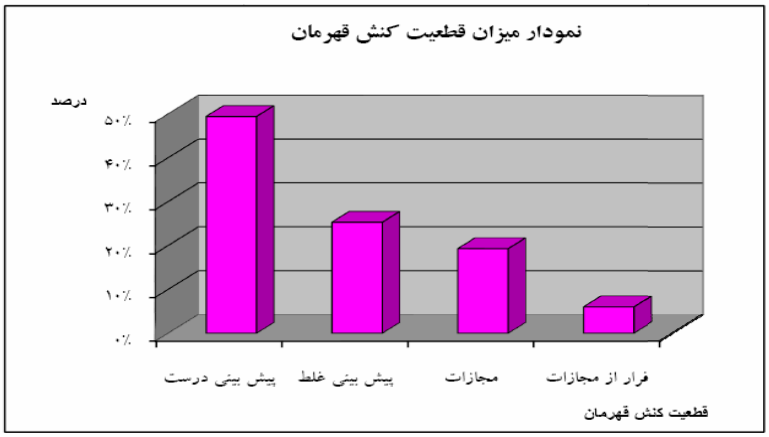

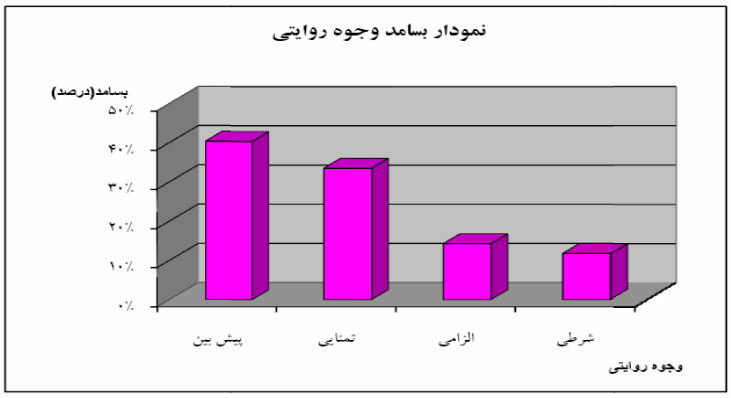

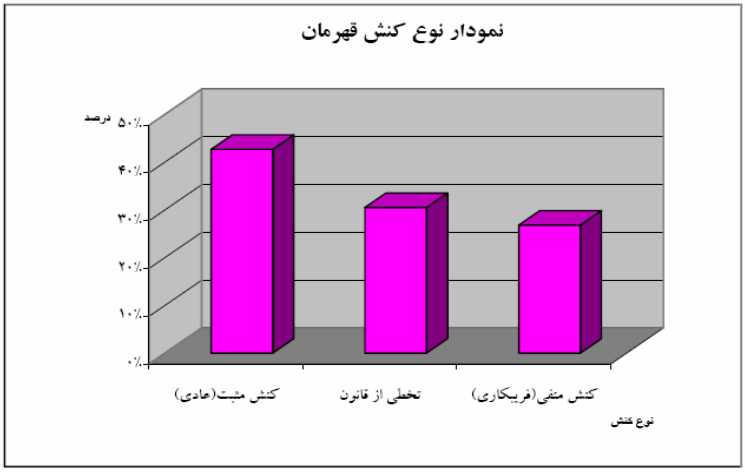

www.SID.ir

پی‌نوشت‌ها

مرزبان‌نامه کتابی است مشتمل بر حکایات، تمثیلات و افسانه‌های حکمت‌آمیز که به طرز و اسلوب کلیله و دمنه از زبان وحوش و طیور و دیو و پری پرداخته شده‌است. اصل این کتاب در اواخر قرن چهارم هجری به لهجهٔ قدیم طبری در مازندران تألیف شده است محمد روشن، در مقدمهٔ مرزبان‌نامه (۱۳۷۶)، طبری بودن مرزبان‌نامه را به چالش کشیده است و وضع آن منسوب است به اسپهبد مرزبان بن رستم بن شروین از ملوک طبرستان از آل باوند (قزوینی، ۱۳۶۳: الف). قدیمی‌ترین مأخذی که در آن از مرزبان‌نامه یاد شده‌است، کتاب «مقالیدُ العلم الهیئه»، اثر ابوریحان بیرونی است. مرزبان‌نامه حدود دو قرن بعد از تألیف دو بار ترجمه و تهذیب می‌شود. نخستین بار محمد بن غازی ملطیوی به ترجمه و تهذیب آن اقدام کرد و حاصل کار خویش را «روضةالعقول» نام نهاد. سعدالدین وراوینی حدود چند سال بعد از ترجمهٔ ملطیوی، بدون کم‌ترین اطلاع از کار او، مرزبان‌نامه را در نیمهٔ نخستین سدهٔ هفتم، میان سال‌های ۶۲۲- ۶۰۷ تحریر و تهذیب کرد (روشن، ۱۳۷۶: نوزده؛ صفا، ۱۳۵۶: ۱۰۰۵).

روضةالعقول حدود دو برابرِ مرزبان‌نامه است و از مقایسهٔ مرزبان‌نامه و روضة العقول چنین برمی‌آید که وراوینی بعضی از ابواب اصلی آن را در ترجمه حذف کرده است. او خود در مقدمهٔ کتاب می‌گوید: «زوایایِ آن همه بگردیدم و خبایایِ اسرارِ آن به نظر استبصار، تمام بدیدم و طلسم ترکیبِ آن از هم فروگشادم و از حاصلِ همه ملخصی ساختم باقی انداختم» (وراوینی، ۱۳۷۶: ۱۱).

از شرح حال و زندگی سعدالدین وراوینی اطلاع چندانی در دست نیست، جز همان میزان اطّلاعاتی که خود در مقدمه و خاتمهٔ کتاب ارائه می‌دهد. بر مبنای این مستندات، او از مخصوصان و ملازمان خواجه ابوالقاسم ربیب الدین هارون، وزیر اتابک ازبک بن محمد (۶۲۲- ۶۰۷) از اتابکان آذربایجان است (قزوینی، ۱۳۶۳: هـ). اگرچه هر دویِ این ادیبان ادعا می‌کنند که بر اصل کتاب مرزبان‌نامه چیزی نیفزوده‌اند؛ اما این ادعایِ آن‌ها از تلقی ادیبان آن روزگار برمی‌خیزد که نثر ساده، روان و بی‌پیرایهٔ روزگار گذشته را بی‌اعتبار قلمداد می‌کردند و آن را عاری از حلیت عبارت می‌دانستند و از این رو آن متن‌ها را به زیور الفاظ و مواعظ می‌آراستند (روشن، ۱۳۷۶: نوزده).

منابع

۱- احمدی، بابک .(۱۳۸۶). **ساختار و تأویل متن**، تهران: مرکز، چاپ نهم.

۲- اخوت، احمد .(۱۳۷۹). **دستور زبان داستان**، اصفهان: فردا، چاپ اول.

۳- اسکولز، رابرت .(۱۳۸۳). **درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات**، ترجمهٔ فرزانه طاهری، تهران: آگاه، چاپ دوم.

۴- برتنس، هانس .(۱۳۸۷). **مبانی نظریهٔ ادبی**، ترجمهٔ محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی، چاپ دوم.

۵- برسلر، چارلز .(۱۳۸۶). **درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی**، ترجمهٔ مصطفی عابدینی‌فرد، تهران: نیلوفر، چاپ اول.

۶- تودوروف، تزوتان .(۱۳۷۹). **دستور زبان داستان**، مترجم و نویسنده: احمد اخوت، اصفهان: فردا، چاپ اول.

۷- ---------- .(۱۳۸۲). **بوطیقای ساختارگرا**، ترجمهٔ محمد نبوی، تهران: آگاه، چاپ دوم.

۸- حسینی سروری، نجمه؛ صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۵). «بررسی وجوه روایتی در داستان‌های سندبادنامه»، نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دورهٔ جدید، شمارهٔ ۱۹، ص ۱۱۳ – ۸۷.

۹- رایان، ماری‌لاور و آلفن، ارنست‌وان .(۱۳۸۸). **دانش‌نامهٔ نظریه‌های ادبی معاصر**، ویراستهٔ ایرنا ریما مکاریک، ترجمهٔ مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگاه، چاپ سوم.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۰- صفا، ذبیح الله .(۱۳۵۶). **تاریخ ادبیات در ایران**، جلد دوم، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.

۱۱- ظهیری سمرقندی، علی بن محمد .(۱۳۸۱). **سندباد نامه**، بازنویسی سیدعلی شاهری، تهران: مجید، چاپ اول.

۱۲- هارلند، ریچارد .(۱۳۸۵). **درآمدی تاریخی بر نظریهٔ ادبی از افلاطون تا بارت**، گروه ترجمهٔ شیراز: علی معصومی و همکاران، تهران: چشمه، چاپ دوم.

۱۳- وراوینی، سعدالدین .(۱۳۷۶). **مرزبان‌نامه**، تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر، چاپ سوم.

۱۴- ---------- .(۱۳۶۳). **مرزبان‌نامه**، به تصحیح محمّد قزوینی، تهران: فروغی، چاپ دوم.

15- Bal, Miek (1997). **Narratology: Introduction to The Theory Narrative**, tow publish, Toronto: University of Toronto press.

16- Baldick, Chris (2004). **The Concise Oxford Dictionary of Literary Terms**, second edition, Oxford: Oxford university press.

17- Bertens, Hans (2003). **Literary Theory The Basics,** three publish, USA and Canada: Routedge.

18- Cobley, Paul (2003). **Narrative**, second publish, London: Routledge.

19- Mcquillan, Martin (2000). **The Narrative Reader,** first publish, USA and Canada: Routeledge.

20- Phelan, James (2005). J. Rabinowitz, Peter, **A Companion Narrative Theory**, first publish, Malden, MA: Blackwell pub.

21- Webster, Merriam (1995). **Encyclopedia of Literature**, Springfield, Mass: Merriam-Webster.

Archive of SID

www.SID.ir